



Linguistic Research in the Holy Quran.
Vol. 11, No. 1, 2022
Research Paper

Morphology of Joseph (AS) Story in the based on Propp Model

Tayebeh Hajisoltani, Soraya Ghotbi, Farideh Davudi Moghadam

MA in Quran Sciences and Hadith, Shahed University, Tehran, Iran
Associate Professor of Quran Sciences and Hadith, Shahed University,
Tehran, Iran

Associate Professor of Persian Language and Literature, Shahed University,
Tehran, Iran

Abstract

Narratology is a new approach to linguistics and methods in critiquing texts as well as fiction and narrative literature. By analyzing the narrative structure, while describing the hidden layers of the story, it seeks to introduce the narrative's patterns and its possible secret purposes. The Propp model is one of the patterns considered in analyzing the story structure. The present study aimed to investigate the Yusuf story's narrative structure based on Propp model. To this aim, the descriptive-analytical method is used. The research has been textual and has included interpretive narrations of Al-Burhan and Al-Dur Al-Mathour commentaries. The results indicated that the actions and propositions of Yusuf's (PBUH) story in these texts correspond to Propp's model. Two contradictory cases were found to be related to the time of the second evil of the story and the forgiveness of both sins. It was also found that the main functions extracted are in accordance with the verses of the Quran, and God has drawn the main path of Prophet Yusuf (PBUH) from his childhood until reaching the ministry of Egypt and the interpretation of his dream in the Holy Quran. In other words, God has stated all the events that are needed to form the structure of a narrative text about this story in the Quran.

Keywords: Interpretive Narratives, Al-Burhan, Al-Dur Al-Mathur, Narratology, Joseph (AS) story, Propp model.



This is an open access article under the CC- BY 4.0 License ([Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/)).



<https://doi.org/10.22108/nrgs.2022.130630.1694>

ریخت‌شناسی داستان حضرت یوسف «ع» براساس الگوی پراپ در تفاسیر البرهان و الدرالمشهور

طیبه حاجی سلطانی^۱، ثریا قطبی^{۲*}، فریده داودی مقدم^۳

۱- کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه شاهد، تهران، ایران

t.hs772@gmail.com

۲- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه شاهد، تهران، ایران

sghotbi@shahed.ac.ir

۳- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شاهد، تهران، ایران

davoudy@shahed.ac.ir

چکیده

روایت‌شناسی ازجمله رویکردهای نوین زبانشناسی و شیوه‌ای در نقد متون و ادبیات داستانی و روایی است که با تحلیل ساختار روایت، ضمن توصیف لایه‌های پنهان داستان، درصدد معرفی الگوهای حاکم بر روایت و اغراض نهفته در آن است. یکی از الگوهای شایان توجه در تحلیل ساختار داستان، الگوی پراپ است. پژوهش حاضر با هدف تحلیل ساختار روایت داستان حضرت یوسف (ع) براساس الگوی پراپ انجام گرفته است. روش تحقیق توصیفی تحلیلی است. یافته‌های تحقیق نشان دادند کنش‌ها و گزاره‌های داستان حضرت یوسف (ع) در این متون به جز دو مورد که مربوط به زمان شرارت دوم داستان و بخشیده شدن هر دو شریر است، با الگوی پراپ تطابق دارد. همچنین، مشخص شد خویش‌کاری‌های اصلی استخراج شده، مطابق با آیات قرآن است و خداوند مسیر اصلی حرکت حضرت یوسف (ع) را از کودکی تا رسیدن به وزارت مصر و تعبیر خواب او را در قرآن کریم ترسیم کرده است. به عبارت دیگر، خداوند تمام وقایع لازم برای شکل‌گیری ساختار یک متن روایی را درباره این داستان در قرآن بیان کرده است. همچنین، این انطباق نشان می‌دهد رسیدن به کمال انسانی با گذشتن از مسیر سختی‌ها میسر می‌شود و هر حرکت و قدمی که به سوی کمال شکل گرفته، نقطه آغاز آن با سختی یا شرارتی است که بر حضرت یوسف (ع) وارد آمده است.

واژه‌های کلیدی

روایت‌شناسی، داستان حضرت یوسف (ع)، الگوی پراپ، تفاسیر روایی قرآن کریم

۱- طرح مسئله

که انسان برای هدایت به آن نیازمند است. خداوند در وصف قرآن کریم، آن را بیان‌کننده هر چیز دانسته و فرموده است «و نزلنا علیک الكتاب تبیاناً لکل شیء»

قرآن کریم آخرین کتاب آسمانی و معجزه جاوید پیامبر اسلام (ص) و دربرگیرنده تمامی معارفی است

روایت‌شناسی با آثار «ولادیمیر پراپ»^۳ به‌عنوان یک شاخه مستقل آغاز شد. «پراپ» دو مفهوم «نقش» و «کنش» را برای تحلیل داستان‌ها به کار گرفت (قائمی‌نیا، ۱۳۹۳، ص ۳۸۴). در الگوی «پراپ»، یکی از خصوصیت‌های اصلی داستان، تغییر از یک وضعیت به وضعیت تعادل‌یافته‌تر دانست؛ چیزی که او از آن با عنوان «کارکرد» یاد می‌کند. پراپ با بررسی قصه‌های پریان به این نتیجه رسید که با وجود متغیر بودن شخصیت‌ها در قصه‌ها، کارکردها و کنش‌های آنان ثابت و پیش‌بینی‌شدنی است (تولان، ۱۳۹۳، ص ۳۴). ویژگی تقلیل‌دهندگی در روش ساختارگرایی و به‌خصوص در الگوی «پراپ»، براساس حذف جزئیات داستان شکل می‌گیرد. این خصوصیت در الگوی پراپ سبب می‌شود تا پیکره اصلی داستان به دست آید و امکان مقایسه بین داستان‌های مختلف یا نحوه روایت‌های متفاوت یک داستان فراهم شود. آشکارشدن جنبه‌های زیبایی‌شناختی و ادبی داستان‌های قرآن و روایات تفسیری از دستاوردهای به‌کارگیری علوم نوین ادبی در مطالعات قرآن و حدیث است.

۲- پیشینه تحقیق

در زمینه به‌کارگیری الگوی پراپ در متون دینی پژوهش‌هایی انجام شده‌اند؛ از جمله:
حسن‌نیا و خاتمی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی دیدگاه باکلی در مشابَهت سنجی ریخت‌شناسی قصه‌های پریان و احادیث امامیه» با بیان تفاوت‌ها و اشتراکات مجموعه روایی تقابل امام صادق(ع) با منصور عباسی با الگوی پراپ، دیدگاه

(نجل، ۸۹). از جمله شگردهایی که خداوند در قرآن کریم برای انتقال معارف به کار گرفته، بازگوکردن سرگذشت پیامبران و اقوام پیشین در قالب داستان است. این شیوه در توصیف حوادث قیامت نیز به کار گرفته شده است (مرویان حسینی، ۱۳۸۴، ص ۲۰۰). داستان حضرت یوسف(ع) یکی از داستان‌های قرآنی است که تعبیر «احسن القصص» درباره آن به کار رفته و به‌صورت یکپارچه در یک سوره آمده است. احادیث تفسیری بسیاری در شرح آیات مربوط به سوره یوسف(ع) وارد شده است. تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن تألیف سید هاشم بحرانی (م ۱۱۰۷ق) از تفاسیر روایی شیعه و تفسیر الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور تألیف جلال‌الدین سیوطی (م ۹۱۱ق) از تفاسیر روایی اهل سنت (مؤدب، ۱۳۹۷، ص ۷۱) روایات تفسیری داستان حضرت یوسف(ع) را در خود جای داده‌اند. کتب تفسیری البرهان و الدر المنثور از این منظر شایان توجه‌اند که از جامع‌ترین جوامع تفسیری محسوب می‌شوند (خوشدونی، ۱۳۹۲، ص ۱۵۹؛ غروی نائینی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۹).

امروزه با ظهور دانش‌های نوین ادبی مانند فلسفه زبان و زبان‌شناسی، مسیر جدیدی برای فهم بهتر کلام الهی گشوده شده است. هر ارتباط کلامی یا غیرکلامی به کمک نشانه‌هایی صورت می‌گیرد. علم «نشانه‌شناسی»^۱ ابزاری توانمند در تحلیل نشانه‌ها به شمار می‌رود. یکی از مباحث مهم در نشانه‌شناسی، تحلیل ساختار روایی متن یا «روایت‌شناسی»^۲ است که به معنای بررسی ویژگی‌های ثابت و اصول ترکیبی زیربنایی مشترک میان همه داستان‌هاست.

¹ Semiotics

² narratology

³ Vladimir Propp

روایی را در داستان حضرت یوسف (ع) بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که روایت قرآنی دربردارنده بسیاری از شگردهای داستانی و روایت‌شناسی است. همچنین، او دریافته است هسته مرکزی روایت در آیات میانی سوره یوسف (آیات ۵۴ تا ۵۶) «و قال الملك ائتونی به استخلصه لنفسی ...» قرار دارد که باعث تغییر وضعیت کنش‌گران داستان شده است.

مرور پیشینه‌های مرتبط با روایت‌شناسی قصص قرآن نشان می‌دهد در پژوهش‌های انجام‌شده به ریخت‌شناسی داستان قرآنی حضرت یوسف (ع) براساس الگوی پراپ در تفاسیر روایی توجه نشده است؛ از این رو، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که ریخت‌شناسی داستان حضرت یوسف (ع) براساس الگوی پراپ در تفاسیر روایی به چه صورتی است.

۳- روایات تفسیری سوره یوسف (ع)

سوره یوسف (ع) از سوره‌های مکی است و ۱۱۱ آیه دارد. غرض این سوره بیان ولایت خدا بر بنده خالص خویش است که خود عهده‌دار تربیت او شده است. هیچ داستانی در قرآن کریم مانند داستان یوسف (ع) به‌طور مفصل نیامده و در این سوره نیز غیر از داستان یوسف (ع) داستان دیگری ذکر نشده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۹۸/۱۱).

بررسی‌های انجام‌شده درباره رویکرد مؤلفانی که روایات تفسیری را در کتب روایی خود جمع‌آوری کردند، نشان می‌دهند مواجهه نویسندگان این کتب با روایات، رویکردی تعمیمی بوده است؛ به طوری که هر روایتی که به نوعی با آیه مرتبط باشد را اعم از شأن نزول، سبب نزول، زمان و مکان حوادث، نوعی

«باکلی» را درباره همگون‌پنداری ساختار و محتوای احادیث امامیه با قصه‌های پریان مردود دانسته است.

حیدری (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «ریخت‌شناسی قصه حضرت یوسف (ع) در ترجمه تفسیر طبری» داستان حضرت یوسف (ع) را براساس الگوی «پراپ» بررسی کرده و نتیجه گرفته است که داستان یوسف (ع) در تفسیر طبری با الگوی «پراپ» همخوانی دارد و تنها در داستان دوم که مربوط به خواب‌دیدن یوسف (ع) و به چاه انداختن اوست، حرکتی دو مقطعی مشاهده می‌شود که با الگوی «پراپ» ناهمخوان است.

اشرفی، تاکی و بهنام‌فر (۱۳۹۴) در نتیجه مقاله خود با عنوان «تجزیه و تحلیل داستان حضرت یوسف (ع) در قرآن کریم براساس نظریه پراپ و گریماس» بیان کرده‌اند الگوی گریماس در تحلیل داستان‌های قرآنی کارایی بیشتری دارد و الگوی پراپ برای این منظور نیازمند تغییرات اساسی است.

اشرفی، تاکی و بهنام‌فر (۱۳۹۴) در مقاله دیگری با عنوان «خویش‌کاری‌های موجود در داستان قرآن کریم بر مبنای الگوی پراپ» خویش‌کاری‌های موجود در داستان قرآن کریم بر مبنای الگوی پراپ را بررسی کرده‌اند. در نتیجه این تحقیق مشخص شد تمامی خویش‌کاری‌های پراپ در قرآن وجود دارد؛ اما از نظر ماهیت با الگوی پراپ متفاوت است. این تفاوت‌ها ناظر به ماهیت خبرگیری و خبریابی، عوامل ماورائی و پاداش‌های معنوی است.

پژوهش‌هایی نیز در حوزه روایت‌شناسی داستان حضرت یوسف (ع) انجام شده‌اند، از جمله داودی مقدم (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل نشانه معنانشناسی گفتمان در داستان حضرت یوسف (ع)» گفتمان‌های

روایت تفسیری تلقی کرده‌اند (راد، ۱۳۹۳، ص ۱۴). روایت‌هایی که در آن جزئیات داستان‌های پیامبران و اقوام پیشین آمده است، از نمونه‌های شاخص روایات تاریخی به شمار می‌روند. برخی از روایات تاریخی نقش تبیینی در فهم آیات قرآن نداشته‌اند و تنها توضیحات فرعی را علاوه بر محتوای اصلی آیه عرضه می‌کنند که نتیجه آن، ادراک دقیق‌تر آیات قرآن در بافت زمانی خود است. از ویژگی‌های مهم این دسته از روایات، بیان علت حوادث یا نتایج رفتارهای افراد یا اقوام گذشته است که نشان‌دهنده نقش تبیینی روایات تاریخی در درک بهتر مقاصد قرآن است (معارف، ۱۳۹۸، ص ۹۶).

روایات تفسیری سوره یوسف (ع) در جلد سوم کتاب البرهان فی تفسیر القرآن تألیف سید هاشم بن سلیمان بحرانی دربردارنده ۲۰۰ روایت و در جلد چهارم کتاب الدرالمثور فی التفسیر بالمأثور دربردارنده ۶۵۰ روایت است.

۴- الگوی پراپ

«ولادیمیر پراپ» در سال ۱۹۲۸ نخستین کتاب خود را با نام ریخت‌شناسی قصه‌های عامیانه به چاپ رساند. اندیشه حاکم در این کتاب آن است که جزئیات موجود در قصه‌های پریان به صورت یک طرح واحد تقلیل پذیر است (پراپ، ۱۳۹۸، ص ۲۰-۲۵). از نظر پراپ، اجزای بنیادین تشکیل‌دهنده قصه، همان کارهای اشخاص است و پس از آن، عناصر پیونددهنده و انگیزه‌ها مطرح می‌شوند (پراپ، ۱۳۶۸، ص ۱۴۸). در الگوی پراپ خصوصیت اصلی داستان تغییر از یک وضعیت به وضعیت تعادل‌یافته‌تر است که

از آن با عنوان «کارکرد»^۱ یا «خویش‌کاری» نام برده می‌شود. پراپ با بررسی قصه‌های پریان به این نتیجه رسید که هرچند شخصیت‌ها در داستان‌ها تغییر می‌کنند، کارکردها و کنش‌های آن‌ها ثابت و پیش‌بینی‌پذیر است (تولان، ۱۳۹۳، ص ۳۴).

پراپ در کتاب خود پس از تحلیل تعدادی از افسانه‌های عامیانه، به طبقه‌بندی انواع کنش‌ها روی آورد و آنها را در ۳۱ کنش طبقه‌بندی کرد؛ نقش و کنش دو مفهومی بودند که پراپ در تحلیل خود از آنها بهره گرفت (تولان، ۱۳۹۳، ص ۳۶-۳۴). خویش‌کاری‌ها به صورت خلاصه به شرح زیر است:

- ۱) یکی از اعضای خانواده از خانه غایب می‌شود.
- ۲) قهرمان از انجام کاری نهي می‌شود.
- ۳) این منع نقض می‌شود.
- ۴) شخصیت شریر درصدد شناسایی بر می‌آید.
- ۵) شخصیت شریر اطلاعاتی درباره قربانی خود به دست می‌آورد.
- ۶) شخصیت شریر می‌کوشد تا قربانی را بفریبد تا به او و دارایی‌اش دست یابد.
- ۷) قربانی فریب می‌خورد و ناآگاهانه به دشمن کمک می‌کند.
- ۸) شخصیت شریر به یکی از اعضای خانواده صدمه وارد می‌کند. یکی از اعضای خانواده یا فاقد چیزی است یا چیزی را طلب می‌کند.
- ۹) کمبود آشکار می‌شود. از قهرمان تقاضایی می‌شود. قهرمان اعزام می‌شود.
- ۱۰) جوینده تصمیم به مواجهه می‌گیرد.
- ۱۱) قهرمان خانه را ترک می‌کند.
- ۱۲) قهرمان مورد آزمایش یا حمله قرار می‌گیرد که

¹ Function

باز هم توالی میان آنها برقرار است (پراپ، ۱۳۹۸، صص ۸۲-۸۳).

تا قبل از آثار پراپ، تحلیل داستان‌ها براساس بن‌مایه‌های آن انجام می‌شد؛ به این معنی که چه مفهوم یا رویدادی در قصه‌ها تکرار می‌شود (قائم‌نیا، ۱۳۹۳، صص ۳۸۴). پراپ علاوه بر این تعداد کارکرد، هفت نقش شخصیتی را نیز شناسایی کرد. هر شخصیت واقعی می‌تواند بیش از یک نقش داشته باشد و یک نقش هم می‌تواند با چند شخصیت ایفا شود^۱ (پراپ، ۱۳۹۸، صص ۱۶۹-۱۶۴).

از نظر پراپ، قصه به هر پیشرفتی اطلاق می‌شود که از یک شرارت (A) یا کمبود (a) آغاز می‌شود و از طریق کارکردهای میانی به ازدواج (w) یا کارکردهای دیگری ختم می‌شود که به‌منظور گره‌گشایی استفاده شده‌اند. کارکردهای پایانی گاهی پاداش (f)، کسب منفعت (k) و رهایی از تعقیب (Rs) است. هر عمل شرارت‌بار جدید و هر کمبود جدید، حرکت جدیدی را خلق می‌کند: A_____W.

^۱ پراپ هفت شخصیت در قصه‌های پریان را شناسایی کرده است که توزیع خویشکاری‌ها یا حوزه عملیاتی شخصیت‌ها به این صورت است، صحنه عملیات شریر، شرارت (A)، جنگ یا هر شکلی از کشمکش با قهرمان (H)، تعقیب (Pr)؛ حوزه عملیات بخشنده یا فراهم‌آورنده، صایجاد آمادگی برای انتقالی یا عامل جادویی (D)، دادن عامل جادویی به قهرمان (F)؛ حوزه عملیات یاریگر، صانتقال مکانی قهرمان (G)، التیام مصیبت یا کمبود (K)، رهایی از تعقیب (Rs)، انجام امری دشوار (N)، تغییر شکل قهرمان (T)؛ حوزه عملیات شاهزاده خانم (فرد مورد جستجو) و پدرش، صدرخواست انجام کار دشوار از قهرمان (M) داغ‌زدن یا نشان‌کردن (J)، رسواساختن (Ex)، بازشناسختن (Q)، مجازات شریر دوم (U)، عروسی (W)؛ حوزه عملیات گسیل‌دارنده، گسیل‌داشتن (B)؛ حوزه عملیات قهرمان، صرفتن به جستجو (C↑) که مختص قهرمان جستجوگر است، واکنش در برابر درخواست‌های بخشنده (E)، عروسی (*W)؛ حوزه عملیات قهرمان دروغین، ص (C↑)، (E)، ادعای قهرمان دروغین (L).

این مرحله راه را برای کمک یاریگر هموار می‌کند.
 (۱۳) قهرمان نسبت به کنش‌های اعطاگر آینده واکنش نشان می‌دهد.
 (۱۴) قهرمان توانایی استفاده از عامل جادویی را به دست می‌آورد.
 (۱۵) قهرمان به مکانی منتقل می‌شود که هدف مدنظر، آنجاست.
 (۱۶) قهرمان و شریر وارد نبرد مستقیم می‌شوند.
 (۱۷) قهرمان بدنام می‌شود.
 (۱۸) شخصیت شریر شکست می‌خورد.
 (۱۹) کمبود اولیه برطرف می‌شود.
 (۲۰) قهرمان بر می‌گردد.
 (۲۱) قهرمان تحت تعقیب قرار می‌گیرد.
 (۲۲) قهرمان از تعقیب نجات می‌یابد.
 (۲۳) قهرمان به‌طور ناشناخته به خانه یا کشور دیگری می‌رود.
 (۲۴) قهرمان دروغین ادعاهای بی‌اساس مطرح می‌کند.

(۲۵) وظیفه دشواری به قهرمان محول می‌شود.
 (۲۶) وظیفه انجام می‌شود.
 (۲۷) قهرمان شناخته می‌شود.
 (۲۸) قهرمان دروغین یا شریر رسوا می‌شود.
 (۲۸) قهرمان دروغین یا شخصیت شریر رسوا می‌شود.

(۲۹) قهرمان وجهه جدیدی کسب می‌کند.
 (۳۰) شخصیت شریر به مجازات می‌رسد.
 (۳۱) قهرمان ازدواج می‌کند و به پادشاهی می‌رسد.
 خویش‌کاری از سازه‌های بنیادین قصه و از عناصر ثابت آن است. پراپ معتقد است توالی خویش‌کاری‌ها یکسان است و با وجود حذف برخی خویش‌کاری‌ها

بنیادی‌ترین بخش تحلیل به شکل شناخت حرکت‌ها و نحوه ترکیب آنها با یکدیگر است (حیدری، ۱۳۹۴، ص ۱۴۶).

۴- الگوی پراپ در داستان حضرت یوسف (ع)

برای تحلیل یک قصه در ابتدا باید خویش‌کاری‌های آن را مشخص کرد. همان‌طور که گفته شد هر شرارت یا کمبود، حرکتی (xod) را در قصه سبب می‌شود. «قصه یا داستان» و «حرکت» در الگوی پراپ دو مفهوم متفاوت‌اند. یک قصه از چندین حرکت تشکیل می‌شود. پراپ معتقد است اگر قبل از رسیدن به التیام قطعی فاجعه، کمبود جدیدی احساس شود و حرکت بعدی را به وجود آورد، ما با یک قصه واحد مواجه هستیم و این حرکت جدید به معنای قصه جدید نیست (همان، ص ۱۸۶). فاجعه اصلی داستان، جدایی یوسف (ع) از پدر است که در پایان حرکت چهارم داستان التیام می‌یابد؛ بنابراین، به نظر می‌رسد داستان حضرت یوسف (ع) یک قصه واحد با چهار حرکت است.

نویسنده مقاله داستان حضرت یوسف (ع) در تفسیر طبری، قصه را به چهار داستان مجزا تفکیک و داستان را به معنای ترتیب زمانی وقایع تعریف می‌کند که متفاوت از تعریف حرکت در الگوی پراپ است (حیدری، ۱۳۹۴، ص ۱۴۹).

۴-۱- حرکت اول

حضرت یعقوب (ع) فرد بخشنده‌ای است که هر روز با ذبح گوسفندی به نیازمندان صدقه می‌داد «إن یعقوب کان یذبح کل یوم كبشا فیصدق منه، و یأکل هو و عیاله منه» (بحرانی، ۱۴۱۵، ص ۱۵۶). روزی

نیازمند مؤمنی درخواست کمک می‌کند؛ اما گفتار او را باور نمی‌کند «یهتف بذلک علی بابه مرارا، و هم یسمعونه و قد جهلوا حقه، و لم یصدقوا قوله» و به همین سبب، فرد نیازمند به درگاه خداوند شکایت می‌برد «شکا جوعه إلی الله عز و جل» (بحرانی، ۱۴۱۵، ص ۱۵۶). خداوند به یعقوب (ع) وحی می‌کند به علت این بی‌اعتنایی باید منتظر مصیبتی از جانب خداوند باشد «فأوحی الله عز و جل إلی یعقوب فی صبیحة تلك الليلة لقد أذلت - یا یعقوب - عبدی ذلک استجرت بها غضبی، و استوجبت بها أربی، و نزول عقوبتی» (بحرانی، ۱۴۱۵، ص ۱۵۷).

(پیشگویی) یعقوب (ع) دوازده پسر دارد که ده تن از آنان به جایگاه یوسف (ع) و برادر تنی او بنیامین در نزد پدر حسادت می‌ورزند «وَ كَانَ یَعْقُوبُ یَحِبُّهُ وَ یُؤْتِرُهُ عَلَى أَوْلَادِهِ، فَحَسَدَهُ إِخْوَتُهُ عَلَى ذَلِك» (بحرانی، ۱۴۱۵، ص ۱۶۶). یوسف (ع) خواب ماه و خورشید و یازده ستاره را می‌بیند که به او سجده می‌کنند و این خواب را برای پدر بازگو می‌کند (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۵/۴؛ بحرانی، ۱۴۱۵، ص ۱۵۵/۳). یعقوب (ع) او را از بازگویی خواب برای برادران نهی می‌کند (۲). نهی پدر نقض می‌شود و برادران در جریان خواب یوسف (ع) قرار می‌گیرند (۵) (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۵/۴؛ بحرانی، ۱۴۱۵، ص ۱۵۷/۳).

برادران یوسف (ع) که به جایگاه او و برادرش بنیامین در نزد پدر حسادت می‌ورزند، درصدد بر می‌آیند تا او را بکشند یا تبعید کنند و در نهایت، تصمیم می‌گیرند او را در چاهی بیفکنند. از یعقوب (ع) می‌خواهند تا یوسف (ع) را برای بازی و تفریح همراه آنان به صحرا بفرستد (۱). یعقوب (ع) نگرانی خود را ترس از خورده‌شدن یوسف (ع) توسط گرگ بیان

مجبور به تأیید این ادعا در نزد کاروانیان کردند و سپس او را به بهای اندکی به آنان فروختند (ربط‌دهنده §). به این ترتیب، یوسف(ع) همراه با کاروان به سرزمین مصر عزیمت می‌کند ($G^2 \uparrow$) (بحرانی، ۱۴۱۵، ص ۱۶۴/۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۵/۴). یعقوب(ع) از فرشته مرگ و گرگ درباره یوسف(ع) سؤال می‌کند که هر دو کشته‌شدن یوسف(ع) را انکار می‌کنند (بحرانی، ۱۴۱۵، ص ۱۹۲/۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۱۰/۴).

۴-۲- حرکت دوم

یوسف(ع) به‌عنوان برده به عزیز مصر فروخته می‌شود و در دربار او سال‌ها زندگی می‌کند (O). همسر عزیز مصر که زلیخا نام دارد، دلباخته او می‌شود (a). او شرایط را برای فریفتن یوسف(ع) فراهم می‌کند تا او را به دست آورد (η^1) (بحرانی، ۱۴۱۵، ص ۱۶۵/۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۵/۴). زلیخا به نزد بتی که در خانه دارد، می‌رود و آن را می‌پوشاند (§). یوسف(ع) می‌گوید: تو از بتی که نمی‌بیند و نمی‌شنود، شرم می‌کنی؛ اما من چگونه از پروردگارم شرم نکنم؟ (بحرانی، ۱۴۱۵، ص ۱۶۵/۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۱۴/۴). یوسف(ع) فریب نمی‌خورد (neg^3) و خود را از دست او می‌رهاند و به سمت در می‌گریزد. زلیخا نیز به دنبال او می‌دود (pf) و پیراهن یوسف(ع) از پشت پاره می‌شود. عزیز مصر در آستانه در مانع آنان می‌شود (RS^2). کشمکش میان یوسف(ع) و زلیخا در می‌گیرد و هر یک دیگری را متهم می‌کند (H^4) (بحرانی، ۱۴۱۵، ص ۱۶۵/۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۵/۴). در این میان، شاهدی که از بستگان زلیخا بوده «صبی فی المهد» یا «رجل له فهم و علم» با اشاره به اینکه

می‌کند. یعقوب(ع) می‌پذیرد (θ). برادران، یوسف(ع) را با خود می‌برند و او را آزار می‌دهند و سپس او را درون چاهی می‌افکنند (A^*). گوسفندی را ذبح می‌کنند و خون آن را روی پیراهن یوسف(ع) می‌ریزند و شب هنگام گریه‌کنان به نزد پدر باز می‌گردند. پدر می‌گرید و پیراهن یوسف را از آنان طلب می‌کند (B^7) (بحرانی، ۱۴۱۵، صص ۱۵۷/۳-۱۵۸؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۵/۴). با دیدن پیراهن می‌گوید: «یا بنی و الله ما كنت أعهد الذئب حلیمًا إذ أكل ابني و أبقی قمیصه» (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۱۰/۴). «چه گرگ مهربانی بوده که گوشت فرزندم را دریده؛ اما پیراهنش را نه». جبرئیل در چاه به دیدار یوسف(ع) آمد و به او می‌گوید: «من طرحک فی هذا الجب»، «چه کسی تو را به قعر این چاه افکنده است؟»، یوسف(ع) می‌گوید: به دلیل قرب و منزلتی که در نزد پدر داشتم، برادرانم به من حسادت ورزیدند و مرا در قعر این چاه افکندند. جبرئیل می‌گوید: دوست داری از این چاه بیرون آیی؟ یوسف(ع) می‌گوید: این قدرت خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب است که می‌تواند مرا از این چاه برون آورد. جبرئیل به یوسف(ع) گفت: خداوند ابراهیم و اسحاق و یعقوب به تو چنین می‌گوید که بگویی: پروردگارا حمد و سپاس از آن توست... ($D^2E^2F^9$) (بحرانی، ۱۴۱۵، ص ۱۶۳/۳).

کاروانی از آن صحرا می‌گذشت که در هنگام کشیدن آب از چاه، یوسف(ع) خود را به دلو آویخت و از چاه خارج شد (K^{10}). برادران یوسف(ع) که برای خبرگیری از یوسف به آنجا آمده بودند، از ماجرای نجات یوسف توسط کاروان مطلع شدند و به کاروانیان گفتند او برده ماست که گریخته و در چاه افتاده است. یوسف را نیز در خلوت با تهدید به مرگ،

پیراهن یوسف(ع) از پشت پاره شده است، بی‌گناهی او را اثبات می‌کند (I⁴) (بحرانی، ۱۴۱۵، ص ۱۶۵/۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۱۵/۴). زنان مصر از این ماجرا باخبر می‌شوند و زلیخا را سرزنش می‌کنند (§). او نیز یک مهمانی با حضور زنان مصر ترتیب می‌دهد و یوسف(ع) را در برابر نگاه آنان قرار می‌دهد؛ در نتیجه، زنان مصر نیز شیفته یوسف(ع) می‌شوند و از آن پس به‌طور مخفیانه خواستار ملاقات با او می‌شدند؛ ولی یوسف(ع) تسلیم خواسته آنان نمی‌شود (§) (بحرانی، ۱۴۱۵، ص ۱۷۰/۳). با اثبات بی‌گناهی حضرت یوسف(ع)، زلیخا به عزیز مصر می‌گوید: یوسف(ع) باعث فضاحت من در میان مردم شده است، یا مرا نیز مانند او آزاد بگذار یا او را نیز مانند من به بند بکش؛ در نتیجه، یوسف(ع) زندانی می‌شود (A¹⁵) (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۶/۴).

۴-۳- حرکت سوم

یوسف(ع) زندانی شده است. نانوا و ساقی پادشاه به اتهام اقدام برای قتل او وارد زندان می‌شوند. آنها خواب می‌بینند و از یوسف(ع) تعبیر آن را می‌خواهند (D⁷). یوسف(ع) به درستی خواب آنان را تعبیر می‌کند که نانوا به مرگ محکوم خواهد شد و ساقی آزاد می‌شود (E⁷) (بحرانی، ۱۴۱۵، ص ۱۷۱/۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۶/۴). یوسف(ع) از فرد آزاد شده طلب کمک می‌کند تا درباره او با پادشاه سخن بگوید (F⁹)؛ اما او سال‌ها این موضوع را فراموش می‌کند. یوسف(ع) به دلیل این درخواست، از جانب خداوند عتاب می‌شود و مدت حبس او طولانی‌تر می‌شود (بحرانی، ۱۴۱۵، ص ۱۷۲/۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۲۰/۴). پادشاه خواب می‌بیند هفت گاو لاغر هفت

گاو فربه را می‌خورند و هفت گیاه خشکیده هفت گیاه سبز را می‌خورند. ساحران و کاهنان از عهده تعبیر خواب بر نمی‌آیند. ساقی به سوی یوسف(ع) می‌رود و تعبیر خواب پادشاه را از او می‌خواهد (M). یوسف(ع) آن را به هفت سال فراوانی و هفت سال قحطی تعبیر می‌کند (N). پادشاه فرمان آزادی او را می‌دهد. یوسف(ع) قبل از آزاد شدن می‌خواهد که ماجرای زنان مصر و زلیخا روشن شود. مجلسی با حضور زلیخا و زنان مصر برگزار می‌شود (§). گناهکار بودن زلیخا بر همگان آشکار می‌شود (Ex). یوسف(ع) به وزارت می‌رسد (W*) (بحرانی، ۱۴۱۵، ص ۱۷۳/۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۶/۴).

۴-۴- حرکت چهارم

سال‌های خشکسالی فرا می‌رسد. یعقوب(ع) از فرط گریه در فراق یوسف(ع) نابینا شده است سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۳۰/۴. او و فرزندان گرفتار قحطی می‌شوند. او پسران خود را به غیر از بنیامین، برای دریافت آذوقه به مصر می‌فرستد. برادران به حضور یوسف(ع) می‌رسند و او آنان را می‌شناسد؛ اما این مسئله را آشکار نمی‌کند. سراغ برادر کوچکترشان بنیامین را از آنان می‌گیرد و کمک بعدی خود به آنان را مشروط به آوردن بنیامین می‌کند. همچنین، متاع آنان را پنهانی به آنان باز می‌گرداند. برادران به نزد پدر باز می‌گردند و او را برای بردن بنیامین متقاعد می‌کنند. یعقوب(ع) از آنان پیمان می‌گیرد که او را بازگردانند. وقتی به حضور یوسف(ع) می‌رسند، پیمان پادشاه را مخفیانه در بار بنیامین قرار می‌دهند. سپس به بهانه گم شدن پیمان پادشاه آن را از بار بنیامین خارج می‌کنند و به کمک رسم کنعانیان در گرو نگه داشتن

دارد، به کوچک‌ترین آنها یعنی یوسف(ع) و بنیامین محبت ویژه‌ای دارد، برادران دیگر به جایگاه آنان در نزد پدر حسادت می‌ورزند که به‌عنوان انگیزش شرارت مطرح است، یعقوب(ع) از جانب خدا انذار می‌شود و انتظار مصیبتی را می‌کشد.

۵-۱- تحلیل حرکت اول داستان:

در این بخش از داستان، قهرمان یوسف(ع) است. یعقوب(ع) گسیل‌دارنده و قربانی، برادران در نقش شریر و جبرئیل بخشنده‌ای است که پیام‌رسان یاریگر یا خداوند است. اولین خویش‌کاری در الگوی پراپ غیبت یکی از اعضای خانواده است که در این داستان وجود ندارد و حرکت اول با نهی قهرمان از یک کار آغاز می‌شود (۲) (عدم نقل خواب برای برادران) و این نهی نقض می‌شود (۵). در چندین روایت نقض نهی به یوسف(ع) نسبت داده شده «وَ قَصَّهَا عَلَيَّ إِخْوَتِهِ» (بحرانی، ۱۴۱۵، ص ۱۶۲/۳) یا فقط به اطلاع‌یافتن برادران از خواب اشاره کرده‌اند: «فبلغ اخوة يوسف الرؤيا فحسدوه...» (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۴/۴). این موضوع می‌تواند مساوی با خبرگیری شریر از قربانی نیز باشد (۶). خویش‌کاری فریب نیز اتفاق می‌افتد و یعقوب(ع) قربانی آن است؛ حتی او با ابراز نگرانی از خورده‌شدن یوسف(ع) توسط گرگ، بهانه لازم برای دروغ‌گویی و صحنه‌پردازی را به دست شریر می‌دهد. در روایت چنین آمده است: «لا تلقوا الناس فيكذبوا فان بنى يعقوب لم يعلموا ان الذئب يأكل الناس فلما لقنهم أبوهم كذبوا فقالوا فأكله الذئب» (همان، ص ۹). او نقش گسیل‌دارنده را نیز به عهده دارد؛ زیرا اجازه عزیمت یوسف همراه برادران را می‌دهد. خویش‌کاری‌های گفته‌شده بخش مقدماتی داستان

سارق، بنیامین را در نزد خود نگه می‌دارد. برادران به نزد پدر باز می‌گردند. این بار یعقوب(ع) آنان را به همراه نامه‌ای به عزیز مصر [یوسف(ع)] روانه مصر می‌کند. برادران در حضور یوسف(ع) اضطراب خود را ابراز می‌کنند (بحرانی، ۱۴۱۵، ص ۱۸۱/۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۷/۴). یوسف(ع) نامه پدر را می‌خواند و سپس خود را معرفی می‌کند (Q) (بحرانی، ۱۴۱۵، ص ۱۹۳/۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۲۹/۴). پیراهن یوسف(ع) چشمان پدر را بینا می‌کند. یعقوب(ع) به همراه خاندان خود به مصر می‌رود و فراق او و فرزندش پایان می‌یابد (بحرانی، ۱۴۱۵، ص ۱۹۹/۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۳۶/۴). فرزندان خطاکار از یعقوب(ع) می‌خواهند تا برای آنان استغفار کند. آنان بخشیده می‌شوند (Uneg) (بحرانی، ۱۴۱۵، ص ۲۰۰؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۳۶/۴). یوسف(ع) با زلیخا ازدواج می‌کند (بحرانی، ۱۴۱۵، ص ۲۰۷/۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۲۵/۴).

۵- تحلیل داستان براساس الگوی پراپ

وضعیت آغازین (α)

همان‌طور که پراپ بیان می‌دارد شروع هر داستانی با یک صحنه آغازین (α) است که در آن اعضای یک خانواده نام برده می‌شود یا خصوصیت مثبت یا منفی آنها ذکر می‌شود یا یک خوشبختی را به یک خانواده نسبت می‌دهد که زمینه‌ای متضاد را برای مصیبتی که اتفاق خواهد افتاد، فراهم می‌کند. ممکن است پیشگویی‌هایی درباره قهرمان داستان در وضعیت آغازین ارائه شود (پراپ، ۱۳۹۸، ص ۱۷۳). در آغاز داستان یوسف(ع) وضعیت آغازین بدین شکل آمده است که یعقوب(ع) فردی بخشنده است، دوازده پسر

هستند و فاجعه یا گره داستان با خویش کاری شرارت (A) آغاز می‌شود که در این بخش، مساوی با انداختن یوسف(ع) در چاه است.

طبق نظر پراپ، قهرمان داستان به دو صورت ممکن است تشخیص داده شود. اگر فردی از اعضای خانواده ناپدید یا ربوده شود و فرد دیگری به جستجوی او برود، قهرمان، فرد جستجوگر است نه قربانی؛ ولی اگر فردی ربوده شود و داستان مربوط به سرنوشت او باشد، در این صورت قهرمان همان قربانی است (پراپ، ۱۳۹۸، ص ۱۰۳)؛ در نتیجه، یوسف(ع) قهرمان قربانی است نه جستجوگر. خویشکاری B^7 به‌طور واضح در این بخش دیده نمی‌شود. نوحه‌سرایی یعقوب(ع) پس از شنیدن ادعای فرزندان، باعث مقابله نمی‌شود. پراپ معتقد است نوحه‌سرایی باعث برملاشدن فاجعه و سپس مقابله می‌شود (پراپ، ۱۳۹۸، ص ۱۰۵)؛ اما یعقوب(ع) با علم به دروغ فرزندان، با آنان به مقابله بر نمی‌خیزد و صبر جمیل پیشه می‌کند. سؤال یعقوب(ع) از گرج و فرشته مرگ نیز به سبب اطمینان خود او از زنده‌بودن یوسف(ع) است.

بخشنده (جبرئیل) کسی است که به قهرمان چیزی را می‌دهد که ترمیم فاجعه را برای او میسر می‌سازد. این وسیله به دنبال آزمایش قهرمان یا پرسش از او در اختیارش قرار می‌گیرد (خویشکاری (D) پراپ، ۱۳۹۸، ص ۱۰۶). احوال‌پرسی و پرس‌وجو شکل ضعیف آزمون هستند (D^2) که یوسف(ع) پاسخ مناسب و مؤدبانه‌ای می‌دهد (E^2) و به دنبال آن، ابزار رهایی از فاجعه یعنی دعا به او داده می‌شود (F^9). فروش یوسف(ع) به کاروانیان خویش کاری محسوب نمی‌شود و به‌عنوان یک عامل ربط‌دهنده (§) باعث

شکل‌گرفتن خویش کاری بعدی یعنی انتقال یوسف(ع) به مصر می‌شود (↑). در واقع یوسف(ع) در انتهای این حرکت، تبعید می‌شود که اغلب یک شرارت کاذب است و انگیزه خویش کاری ↑ محسوب می‌شود (پراپ، ۱۳۹۸، ص ۲۱۰). این ماجرا یک قصه مجزا نیست؛ چون هنوز فاجعه اصلی، یعنی جدایی یوسف(ع) از پدر، التیام نیافته است.

۵-۲- تحلیل حرکت دوم:

در این حرکت، یوسف(ع) قهرمان، زلیخا شریر و فرد شاهد و عزیز مصر یاریگر محسوب می‌شوند. زنان مصر به‌عنوان شخصیت طعنه‌زننده در رویدادهای ربط‌دهنده حضور دارند. یوسف(ع) به‌طور ناشناس و به‌عنوان برده در دربار عزیز مصر زندگی می‌کند (O). این حرکت با یک کمبود آغاز می‌شود که ناشی از علاقه زلیخا به یوسف(ع) است و در طلب او می‌کوشد. خویش کاری‌های این حرکت از رده H-I است. کشمکش یوسف(ع) و زلیخا نوع خاصی از کشمکش را به تصویر می‌کشد که در آن جنگی صورت نمی‌گیرد؛ اما بحثی در رابطه با گناهکار بودن طرفین در جریان است (H^4) که شهادت شاهد به نفع یوسف(ع) به آن پایان می‌دهد و یوسف(ع) بر زلیخا تفوق می‌یابد (I^4). عمل سنجیدن یا توجه به شواهد با جفت خویش کاری (H^4-I^4) پراپ همخوانی دارد. کشیدن پوشش روی بتی که در خانه زلیخا است، یک عامل ربط‌دهنده است که خویش کاری بعدی، یعنی گریز یوسف(ع) از گناه را باعث می‌شود. زلیخا در این حرکت در نزد همسرش رسوا می‌شود. با دعوت زنان مصر باز هم بر گناه خود صحنه می‌گذارد و باز هم رسوا می‌شود؛ اما این رسوایی خویش کاری پایانی

شدن یوسف(ع) سر آمد، جبرئیل از جانب خدا به او اجازه داد تا برای آزادی خویش دعا کند (بحرانی، ۱۴۱۵، ص ۲۰۱/۳). در این صورت، شخصیت جبرئیل به عنوان بخشنده به داستان افزوده می‌شود. مجلسی که قبل از آزادی یوسف(ع) با حضور زلیخا و زنان مصر تشکیل می‌شود، عامل ربط‌دهنده‌ای است که به خویش‌کاری رسواشدن شریر حرکت دوم یعنی زلیخا منجر می‌شود (Ex). نقش پادشاه در این حرکت با نقش پدر در الگوی پراپ همخوانی دارد؛ چون حوزه عملیات او شامل واگذاری کار دشوار و رسواساختن است که پادشاه عهده‌دار آن است (پراپ، ۱۳۹۸، ص ۱۶۶).

۵-۴- تحلیل حرکت چهارم:

قهرمان داستان همچنان یوسف(ع) است. یعقوب(ع) در نقش گسیل‌دارنده و بنیامین قربانی است. برادران، شریر حرکت اول داستان هستند که در حرکت چهارم در نقش جستجوگر ظاهر شده‌اند که مربوط به حوزه عملیاتی قهرمان است؛ اما با توجه به اینکه داستان، مسیر حرکت قهرمان را دنبال می‌کند و شرارت برادران در جدایی یوسف(ع) از پدر در حرکت اول التیام نیافته است، نقش شریر را حفظ کرده‌اند. قحطی و کمبود (a) موجب می‌شود تا یعقوب(ع) آنان را به سوی مصر گسیل دارد (B^2). یوسف(ع) سه مرتبه با شریر مواجه شود (H-I) و در هر سه مرتبه برتری با یوسف(ع) است. در مرتبه سوم قهرمان بازشناسی (Q) می‌شود و شریر حرکت اول رسوا می‌شود. این تکنیک از نظر پراپ «حرکت سه‌گان» شده است که می‌تواند در خویش‌کاری‌های فردی یا دوتایی در سراسر داستان واقع شوند (پراپ،

نیست و فقط انگیزه‌ای می‌شود برای شرارت بعدی (A^{15}) یعنی زندانی کردن یوسف(ع). رسوایی کامل شریر در حرکت بعدی اتفاق می‌افتد. با رخ دادن این شرارت (A^{15})، داستان وارد حرکت بعدی خود می‌شود.

۵-۳- تحلیل حرکت سوم:

در این حرکت همچنان یوسف(ع) قهرمان داستان است. پادشاه در نقش پدر و ساقی او یاریگر محسوب می‌شوند. در ابتدای ورود یوسف(ع) به زندان، دو فرد زندانی از او درخواستی می‌کنند (D^7) و یوسف(ع) به‌درستی آن را اجابت می‌کند (E^7) (تعبیر خواب دو زندانی). در اینجا یک همسان‌گردی بین خویش‌کاری‌های D-E و M-N وجود دارد. با توجه به اینکه پراپ در این موارد عامل متمایزکننده را نتیجه خویش‌کاری می‌داند، درخواست دو فرد زندانی از نوع D-E در نظر گرفته می‌شود؛ زیرا در نتیجه انجام درخواست آنان، یکی از آن دو که ساقی پادشاه است، در آینده خدمتی را به یوسف(ع) عرضه می‌دارد [معرفی یوسف(ع) برای تعبیر خواب پادشاه]. علاوه بر این، یوسف(ع) نیز در هنگام آزادی ساقی از او درخواست کمک داشت؛ بنابراین، در ماجرای تعبیر خواب پادشاه، خویش‌کاری از نوع کار دشوار (M-N) شکل گرفته است؛ چون پس از آن یوسف(ع) پادشاه داده می‌شود و به وزارت می‌رسد (W^*). در روایات تفسیری این سوره درخواست کمک از غیرخدا توسط یوسف(ع) به عنوان عامل طولانی‌شدن مدت حبس او مطرح شده است (سیوطی، ۱۴۰۴، ص ۲۰/۴). این اتفاق خویش‌کاری محسوب نمی‌شود؛ چون فقط طول مدت حبس طولانی شده است. وقتی مدت زندانی

۱۳۹۸، ص ۱۵۸). پس رویدادهای پیش‌آمده در مواجهه برادران با یوسف(ع) زمینه را برای مواجهه بعدی فراهم کرده است؛ برای مثال، قراردادن متاع برادران در بار آنها، باعث جلب اعتماد آنان و بازگشت دوباره به سوی یوسف(ع) به همراه بنیامین شد. در مواجهه دوم، بنیامین گرو گرفته شد که به عزیمت سوم برادران به مصر و رویارویی پایانی با یوسف(ع) منجر شد. در دیدار سوم، اظهار اضطرار برادران و نامه‌ای که از یعقوب(ع) به دست یوسف(ع) رسیده بود، به‌عنوان عنصر ربط‌دهنده به معرفی یوسف(ع) توسط خود او منجر شد. پس از آن، چشمان پدر بینا و فراق بین آنها پایان یافت و شرارت اولیه التیام کامل یافت. شریر در پایان بخشیده می‌شود و مجازات نمی‌شود (Uneg).

یوسف(ع) با زلیخا ازدواج می‌کند (W^*).

نگاره خاص داستان حضرت یوسف(ع) براساس الگوی پراپ در تفاسیر البرهان والدر المنشور:

$$\left[\begin{array}{c} A^*D^2E^2F^9K^{10}\uparrow \\ aPr Rs^2H^4I^4A^{15} \\ D^7E^7I^9MN \\ aB^2H-I \end{array} \right] W^* Ex Q Uneg$$

مطالعه انجام‌شده نشان می‌دهد الگوی به‌دست‌آمده با الگوی پراپ همخوانی دارد. به‌جز در مواردی که در ادامه به آن اشاره می‌شود:

۱- در حرکت اول داستان، خویش‌کاری B وجود ندارد. در الگوی پراپ پس از برملاشدن فاجعه، فرد یا افرادی به مقابله بر می‌خیزند یا به جستجوی قربانی

گسیل داشته می‌شوند؛ اما یعقوب(ع) پس از شنیدن خبر کشته‌شدن یوسف(ع) توسط گرگ، مقابله‌ای را صورت نمی‌دهد؛ گویا آن را تقدیر الهی می‌بیند و از مکر فرزندان خود نیز به‌خوبی آگاه است؛ البته او در اندوه از دست دادن یوسف(ع) بسیار می‌گرید و نابینا می‌شود. در روایات نیز آمده که از گرگ یا فرشته مرگ درباره یوسف(ع) پرس‌وجو کرده است؛ اما او یا دیگران جستجویی برای یافتن یوسف(ع) انجام نمی‌دهند (بحرانی، ۱۴۱۵، ص ۱۹۲/۳).

۲- خویشکاری C در الگوی به‌دست‌آمده وجود ندارد؛ اما برخلاف الگوی پراپ نیست؛ چون طبق نظر پراپ، این حرکت درباره قهرمان جستجوگر مصداق دارد. یوسف(ع) یک قهرمان قربانی است که به دنبال روبرو شدن توسط برادران، داستان زندگی او وارد مسیر جدیدی می‌شود و الگوی پراپ این مسیر را دنبال می‌کند.

۳- طبق الگوی پراپ، شرارت دوم پس از شرارت حرکت اول روی می‌دهد و پس از آن، قهرمان به‌صورت ناشناس به سرزمین دیگری وارد می‌شود؛ اما در الگوی به‌دست‌آمده، این ترتیب معکوس است. قهرمان در پایان حرکت اول به سرزمین جدیدی وارد می‌شود و شرارت دوم داستان در انتهای حرکت دوم و پس از حضور یوسف(ع) در دربار عزیز مصر (O) مشاهده می‌شود. حرکت دوم داستان به دنبال یک کمبود (a) یا نیاز، یعنی همان علاقه زلیخا به یوسف(ع) آغاز می‌شود. حوادث روی‌داده در دربار عزیز مصر و ماجرای زلیخا و زنان مصر، رویدادهای ربط‌دهنده‌ای هستند که زمینه‌ساز شرارت دوم داستان به شمار می‌روند.

۴- نقش قهرمان دروغین در داستان مشاهده

حضرت یوسف (ع) در روایات تفسیری البرهان و الدر المنثور همانندی بسیاری با خویش‌کاری‌های این داستان در قرآن کریم دارد. به عبارت دیگر، خویش‌کاری‌های اصلی به‌دست‌آمده در روایات، در آیات قرآن نیز ذکر شده است و راویان این داستان در منابع مورد تحقیق، مسیر حرکت یوسف (ع) را طبق آیات قرآن ترسیم کرده‌اند.

ویژگی تقلیل‌دهندگی در روش ساختارگرایی و به‌خصوص در الگوی پراپ، براساس حذف جزئیات یا عناصر غیرضروری داستان شکل می‌گیرد. این ویژگی در الگوی پراپ سبب می‌شود تا پیکره اصلی داستان به دست آید و امکان مقایسه بین داستان‌های مختلف یا نحوه روایت‌های متفاوت یک داستان فراهم شود. محتوای روایاتی که توضیحات بیشتری را درباره داستان ارائه می‌دهند، باعث تغییر در خویش‌کاری‌های اصلی نمی‌شوند. جزئیات ارائه‌شده در این روایات، در قالب رویدادهای ربط‌دهنده استفاده شده‌اند.

نتیجه‌گیری

ریخت‌شناسی داستان حضرت یوسف (ع) در تفاسیر روایی البرهان فی تفسیر القرآن و الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور براساس الگوی پراپ نشان داد خویش‌کاری‌های اصلی استخراج شده از تفاسیر روایی با آیات قرآن مطابقت دارند؛ البته این تطابق با آیات قرآن به این معناست که در روایات تفسیری، خویش‌کاری فراتر از اتفاقاتی بیان نشده که در آیات سوره یوسف (ع) آمده است. در قرآن کریم مسیر اصلی حرکت حضرت یوسف (ع) از کودکی تا رسیدن به وزارت مصر و تعبیر خواب او و نیز وقایع لازم برای شکل‌گیری ساختار یک متن روایی به‌خوبی ترسیم

نمی‌شود. در الگوی پراپ، قهرمان دروغین ادعای انجام کار بزرگی را می‌کند که قهرمان انجام داده است و سعی دارد تا خود را در جایگاه او قرار دهد و در نهایت به‌وسیله یک حادثه ربط‌دهنده رسوا می‌شود. چنین شخصیتی در داستان حضرت یوسف (ع) مشاهده نمی‌شود.

۵- پایان کار شریر در هر دو حرکت داستان، رسوایی و سپس بخشیده‌شدن است؛ در حالی که طبق الگوی پراپ، شریر حرکت اول، تنبیه یا مجازات می‌شود یا در هنگام جنگ یا تعقیب و گریز کشته می‌شود. شریر حرکت دوم نیز گاهی مجازات و گاهی نیز بخشیده می‌شود؛ اما در الگوی به‌دست‌آمده، شریر حرکت اول، یعنی برادران یوسف (ع) در انتهای داستان، رسوا می‌شوند؛ اما یوسف (ع) آنان را می‌بخشد و آنان نیز از پدر تقاضای استغفار به درگاه خدا را دارند که یعقوب (ع) نیز می‌پذیرد. شریر حرکت دوم داستان، یعنی زلیخا نیز رسوا می‌شود؛ اما مجازات نمی‌شود و در پایان داستان نیز با یوسف (ع) ازدواج می‌کند.

همان‌طور که در تحلیل الگوی داستان حضرت یوسف (ع) در تفاسیر روایی مشخص شد، پراپ فقط به متن روایت می‌پردازد و اساس کار پردازش روایت را بر مبنای کنش‌ها شکل می‌دهد. بدیهی است ساختار به‌دست‌آمده از این الگو، غایت و هدف نیست؛ بلکه مقدمه‌ای برای شناخت آرمان‌ها و جهان‌بینی نهفته در داستان است که البته دستیابی کامل به این هدف با اضافه‌شدن مطالعات فرهنگی و تاریخی مرتبط با فضای داستان و فضای نقل روایت امکان‌پذیر خواهد بود.

الگوی به‌دست‌آمده از خویش‌کاری‌های داستان

شده است. در روایات تفسیری این سوره، جزئیاتی به چشم می‌خورد که در توضیح خویش‌کاری‌های اصلی داستان نقش‌آفرین است. گفتنی است بیشترین کاربرد جزئیات، حوادث ربط‌دهنده در داستان است.

این سؤال که آیا داستان حضرت یوسف(ع) در قرآن کریم با الگوی پراپ سازگار است یا نه، نیازمند پژوهشی مجزاست. اشرفی، تاکی و بهنام‌فر در مقاله خود به این موضوع پرداخته‌اند و الگوی پراپ را در سوره یوسف(ع) پیاده‌سازی کرده‌اند. حاصل این تحقیق نیز تطابقی نسبی بین داستان حضرت یوسف(ع) در قرآن کریم با الگوی پراپ را نشان می‌دهد. همچنین، نویسندگان مقاله چندین تفاوت را در مقایسه انجام‌شده به دست آورده‌اند. عدم تطابق شخصیت با خویش‌کاری‌ها، شکل‌گیری خویش‌کاری‌های بسیاری در متن گفتگوهای داستان که در الگوی پراپ جایگاهی ندارد و عدم تطابق کامل خویش‌کاری‌های داستان با نظر پراپ از جمله تفاوت‌هایی است که نگارندگان مقاله مذکور به آنها دست یافته‌اند (اشرفی، ۱۳۹۴، ص ۴۴).

هر چند پراپ معتقد است این الگو در داستان‌های دینی کاربرد فراوان دارد (پراپ، ۱۳۹۸، ص ۲۰۴)، در الگوی به‌دست‌آمده از داستان حضرت یوسف(ع) در تفاسیر روایی البرهان فی تفسیر القرآن و الدرالمشور فی التفسیر بالمأثور شاهد تفاوت‌هایی با الگوی پراپ هستیم. این تفاوت‌ها نشان می‌دهد با وجود انطباق نسبی، الگوی پراپ برای کارآمدی بیشتر در تحلیل داستان‌های قرآنی نیازمند تغییراتی در حرکت‌ها و انگیزه‌های داستان است. بدیهی است نتایج حاصل‌شده در این پژوهش برای دستیابی به الگویی مطلوب به‌تنهایی اتکاپذیر نیست؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود

سایر داستان‌های قرآنی نیز براساس الگوی پراپ پیاده‌سازی شوند و پس از تحلیل تفاوت‌ها یا تطابق‌های به‌دست‌آمده، اقدام به بهینه‌سازی الگوی پراپ برای به‌کارگیری در داستان‌های قرآنی شود. از جمله این تفاوت‌ها اینکه حضرت یوسف(ع) در پایان حرکت اول به دربار عزیز مصر وارد می‌شود و سپس حرکت دوم داستان با یک کمبود، یعنی علاقه زلیخا به یوسف(ع) شکل می‌گیرد و شرارت دوم در انتهای حرکت دوم اتفاق می‌افتد و هر دو شریر داستان در انتها بخشیده می‌شوند.

برخورد کریمانه حضرت یوسف(ع) با برادران و همسر عزیز مصر، عاقبت گناهکاران را منحصر به مجازات دنیوی یا کشته‌شدن آنان نمی‌کند. تعقیب و گریز و جنگ در قصه‌ها حوادثی است که در پیش روی قهرمان داستان قرار می‌گیرد و قهرمان نیز برای به دست آوردن شیء ارزشمند یا نجات خود یا دیگری با شریر مبارزه می‌کند و شریر کشته یا متواری می‌شود؛ اما در داستان یوسف(ع)، آن حضرت در جستجوی فرد یا شیء یا موقعیت دنیایی نیست که بین خود و مطلوبش فاصله‌ای وجود داشته باشد و برای رسیدن به آن مجبور شود دشمنان خود را از میان بردارد. مطلوب او همواره با اوست. قهرمان داستان از اولیای الهی است و تحت ولایت خداوند است؛ بنابراین، رفتاری به مقتضای موقعیت معنوی خود به نمایش می‌گذارد. یوسف(ع) در شرایطی برادران خود را می‌بخشد که با اظهار ضعف و ذلت در پیشگاه آن حضرت حاضر شده بودند؛ در حالی که یوسف(ع) در اوج قدرت است. او در هر موقعیت دشوار یا در رویارویی با بدخواهان خود، رفتاری در جهت اصلاح آنان بر می‌دارد و درصدد انتقام بر نمی‌آید.

جستارهای زبانی، ۶ (۷)، ۳۳-۵۲
 بحرانی، هاشم بن سلیمان. (۱۴۱۵ق). البرهان فی
 تفسیر القرآن. قم: موسسه البعثه.
 پراپ، ولادیمیر. (۱۳۹۸ش). ریخت‌شناسی
 قصه‌های پریان. ترجمه فریدون بدره‌ای. چاپ ششم.
 تهران: توس.

_____ . (۱۳۶۸ش). ریخت‌شناسی قصه.
 ترجمه م-کاشیگر. چاپ اول. تهران: میخک.
 تولان، مایکل. (۱۳۹۳ش). روایت‌شناسی درآمدی
 زبان‌شناختی - انتقادی. ترجمه سیده فاطمه علوی.
 چاپ دوم. قم: سمت.

حیدری، مرتضی. (۱۳۹۴ش). ریخت‌شناسی قصه
 حضرت یوسف (ع) در تفسیر طبری. زبان و ادبیات
 فارسی، ۲۳(۱)، ۷۹-۱۴۱.

حسن‌نیا، علی و محسن خاتمی. (۱۳۹۹ش).
 ارزیابی دیدگاه رونالد باکلی در مشابهت‌سنجی
 ریخت‌شناسی قصه‌های پریان و احادیث امامیه.
 مطالعات فهم حدیث، ۷(۱)، ۹-۳۰.

داودی مقدم، فریده. (۱۳۹۳ش). تحلیل نشانه
 معناشناسی گفتمان در داستان حضرت یوسف (ع).
 آموزه‌های قرآنی. دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

۱۱(۲۰)، ۱۷۵-۱۹۲.

راد، علی. (۱۳۹۳ش). گونه‌شناسی احادیث
 تفسیری؛ از نظریه تا تطبیق. تفسیر اهل بیت. ۲(۱)، ۶-
 ۳۴.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر. (۱۴۰۴ق).
 الدرالمنثور فی التفسیر بالمأثور. قم: کتابخانه عمومی
 آیت‌الله مرعشی نجفی.

طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴ش). ترجمه تفسیر
 المیزان. چاپ پنجم. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه

یکی از اصول اساسی در الگوی پراپ این است که
 هر کمبود یا شرارتی حرکت جدیدی را در داستان
 می‌آفریند. توجه به این اصل در داستان زندگی
 حضرت یوسف (ع) نشان می‌دهد هر حرکت و قدم به
 سوی کمال، نقطه آغاز آن با سختی یا شرارتی است
 که بر حضرت یوسف (ع) وارد آمده است. با افتادن در
 چاه، قدم در سرزمینی می‌گذارد که وزارت آن را به
 دست می‌گیرد. با علاقه زلیخا به او و به حبس
 افتادنش، باعث می‌شود تا علم و امانتداری او بر
 همگان اثبات شود و زمینه‌ساز رسیدن او به حکومت
 شود. با قحطی و نیازمندی در خاندان حضرت
 یعقوب (ع) و رهسپارشدن فرزندان به مصر، فراق
 حضرت یوسف (ع) از پدر پایان می‌یابد و تأویل
 رویای او نمایان می‌شود.

از تطابق داستان یوسف (ع) در روایات تفسیری
 البرهان و الدرالمنثور می‌توان به این نتیجه رسید که راه
 رسیدن به کمال از مسیر سختی‌ها و ابتلائات می‌گذرد
 و با واکنش صحیح در مقابل ابتلائات پیش رو و ثبات
 قدم، ظرفیت وجودی انسان افزایش می‌یابد و به کمال
 نهایی خود می‌رسد.

کتابنامه

قرآن کریم

اشرفی، بتول، تاکی، گیتی و محمد بهنام‌فر.
 (۱۳۹۴ش). خویشکاری‌های موجود در داستان‌های
 قرآن بر مبنای دیدگاه پراپ. پژوهش‌های ادبی - قرآن،
 ۳(۴)، ۲۶-۵۵.

(۱۳۹۴ش). تجزیه و تحلیل داستان حضرت یوسف (ع)
 در قرآن کریم براساس نظریه پراپ و گریماس.

- Fatima Alavi. Second Edition. Qom: Samt.
- Heydari, Morteza. (2014). Morphology of The Story of Hazrat Yusuf (pbuh) in Tabari's Interpretation. *Persian Language and Literature*, 23(1), 79-141.
- Hassania, Ali and Mohsen Khatami. (2019). Evaluation of Ronald Buckley's Point of View in The Morphological Similarity Analysis of Fairy Tales and Imamiyyah Hadiths. *Studies on Understanding Hadith*, 7(1), 9-30.
- Davoudi Moghadam, Farideh. (2013). Analysis of Discourse Semantics in The Story of Hazrat Yusuf (pbuh). *Quranic Teachings*. Razavi University of Islamic Sciences. 11(20), 175-192.
- Rad, Ali. (2013). Typology of Interpretative Hadiths; From Theory to Application. *Tafsir of Ahl al-Bayt*. 2(1), 6-34.
- Suyuti, Abd al-Rahman bin Abi Bakr. (1404 AH). *Al-Dur al-Manthur fi al-Tafseer Bil-Mathur*. Qom: Ayatollah Murashi Najafi Public Library.
- Tabatabaei, Mohammad Hossein. (1995). Translation of *Tafsir al-Mizan*. Fifth Edition. Qom: Qom Seminary Teachers Community, Islamic Publications Office.
- Ghaemina, Alireza. (2013). *Text Biology*. Second Edition. Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought.
- Moaddab, Seyyedreza. (2017). *Methods of Qur'an Interpretation*. Fifth Edition. Qom: Samt.
- Marvian Hosseini, Seyyed Mahmoud. (2014). Monographs of The Qur'an: Educational Goals in The Stories of The Qur'an. *Quranic Researches*, 41, 198-221.
- Ma'arif, Majid, Qorashi, Sayeda Atefeh, Amin Naji, Mohammad Hadi and Alireza Delafkar. (2018). Classification of Historical Narratives in *Majma al-Bayan*. *Historical Studies of Quran and Hadith*, 25(66), 89-100.
- Nazimian, Tahir. (2010). Translation of The Narrative Interpretation of al-Burhan. Fifth Volume. Tehran: Ketab Sobh.
- Yann, Manfred. (2017). *Narratology*. Translated by Mohammad Ragheb. Tehran: Ghoghous.
- قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- قائمی‌نیا، علیرضا. (۱۳۹۳). بیولوژی نص. چاپ دوم. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مؤدب، سیدرضا. (۱۳۹۷ش). روش‌های تفسیر قرآن. چاپ پنجم. قم: سمت.
- مرویان حسینی، سید محمود. (۱۳۸۴ش). تک‌نگاری‌های قرآن: اهداف تربیتی در قصه‌های قرآن. پژوهش‌های قرآنی، ۴۱، ۱۹۸-۲۲۱.
- معارف، مجید، قرشی، سیده عاطفه، امین ناجی، محمد هادی و علیرضا دل‌افکار. (۱۳۹۸ش). دسته‌بندی روایات تاریخی در مجمع‌البیان. *مطالعات تاریخی قرآن و حدیث*، ۲۵(۶۶)، ۸۹-۱۰۰.
- ناظمیان، طاهر. (۱۳۸۹ش). ترجمه تفسیر روایی البرهان. جلد پنجم. تهران: کتاب صبح.
- یان، مانفرد. (۱۳۹۷). روایت‌شناسی. ترجمه محمد راغب. تهران: ققنوس.

Bibliography

The Holy Quran

- Ashrafi, Batoul, Taki, Giti and Mohammad Behnamfar. (2014). Selfishness in The Stories of the Qur'an Based on Propp Perspective. *Literary Research - Quran*, 3(4), 26-55.
- _____. (2014). Analyzing The Story of Prophet Yusuf (pbuh) in The Holy Quran Based on The Theory of Propp and Grimas. *Linguistic Studies*, 6 (7), 33-52
- Bahrani, Hashim Bin Suleiman. (1415 AH). *Al-Burhan fi Tafsir al-Qur'an*. Qom: Al-Bethah Institute.
- Propp, Vladimir. (2018). *Morphology of Fairy Tales*. Translated by Fereydoun Badrei. Sixth Edition. Tehran: Tous.
- _____. (1989). *The Morphology of The Story*. Translated by M. Kashigar. First Edition. Tehran: Miqak.
- Tolan, Michael. (2013). *Linguistic-Critical Income Narratology*. Translated by Sayyida